

در ضرورت سینمای بومی

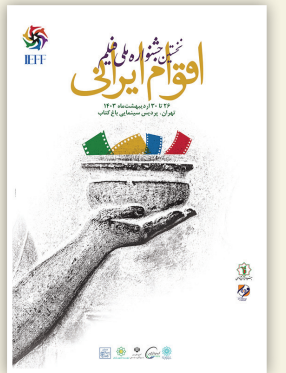
به بهانه نخستین جشنواره فیلم اقوام ایرانی

رضا صائمی

منتقد سینما

سینمای ایران در عین اینکه مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و اسم و رسم در سطح جهانی به دست آورده اما هنوز در داخل مرزهای خود دچار مرکززدگی است. چنانکه اغلب فیلم‌های ایرانی به نوعی فیلم‌های تهرانی اند. قصه‌هایی که اغلب در پایتخت و آپارتمان و سبک زندگی مدرن روایت می‌شود. در این میان قومیت‌ها و قصه‌های آنها کمتر به ساحت سینما آمده و دستمایه ساخت فیلم می‌شوند. گرچه در سال‌های اخیر شاهد تولید فیلم‌های بومی بیشتری هستیم. همین حالا فیلم «عروسک» اصغر یوسفی نژاد در حال اکران عمومی است که قصه و تمام عوامل آن از کارگردان تا بازیگرش تریز می‌باشند. او پیش از این هم فیلم «خانه» را به عنوان یک فیلم بومی با رویکرد قومی ساخته بود که مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفت. فیلم «زغال» از هم نمونه‌های موفق دیگری از سینمای بومی است که اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به سینمای بومی را گوشزد می‌کنند و این که در سطح شهرستان‌ها، استعدادها و توانمندی‌های زیادی نهفته که ناشناخته و گمنام هستند با آزارشان در معرض دیده شدن قرار نگرفته است. سال‌هاست در گپ‌وگفت‌های تحلیلی و نقادانه درباره مسائل و چالش‌های سینمای ایران، موضوع‌هایی چون سینمای ملی یا ایرانی همچنین لزوم پایتخت‌گریزی در فیلم‌سازی و پرهیز از فیلم‌های صرفاً شهری و آپارتمانی مطرح می‌شود، اما توجه و حمایت از فیلمسازان شهرستانی و رشد سینمای بومی به عنوان یک راهکار مؤثر برای خروج از این وضعیت تکراری و تجربه‌های تازه در سینمای ایران مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار می‌گیرد. اگر چه مفهوم سینمای ملی مفهومی پرمنافسه است که بر سر ماهیت و مصادیق آن اختلاف‌فکرهای جدی وجود دارد اما اگر آن را به مثابه دغدغه داشتن برای قوام و شکل‌گیری یک سینمای ایرانی فرض کنیم، بدیهی است که بدون توجه به همه ظرفیت‌های فیلمسازی در ایران قابل تحقق نیست. سیاست‌گذاران و مسئولان سینمایی که سال‌هاست از سینمای ملی دم می‌زنند یا نسبت به تمرکزگرایی موجود در سینما انتقاد دارند، نباید از سینمای بومی و محلی غفلت کنند. سینمای ملی از دل سینمای بومی بیرون می‌آید و بدون لحاظ کردن آن نمی‌توان به نقطه آرمانی و مطلوب در شکوفایی همه ظرفیت‌های موجود در هنر-صنعت سینما دست یافت؛ ظرفیتی که در زیست‌بوم ایران با تنوع زیستی و فرهنگی اش وجود دارد یک امکان بی‌نظیر برای فیلمسازی فراهم می‌کند که متأسفانه به خوبی از آن استفاده نمی‌شود. این در حالی است که همه ایران، تهران نیست و سبک زندگی هم صرفاً به زندگی شهری و آپارتمانی ختم نمی‌شود. قومیت‌های مختلف ایرانی هر کدام قصه و ماجراهای خود را دارند و هر کدام می‌توانند واحد سینمایی مخصوص به خود باشند. این به معنای این نیست که سینمای بومی امری جدا و فارغ از مفهوم و اصول سینما به معنای کلی قضیه است. فیلم‌های بومی و محلی هم از زبان و قواعد کلی سینمایی پیروی می‌کنند اما قومیت و بومی بودن منظرفی است که می‌تواند در درون این ظرفیت به تصویر کشیده شده و روایت شود.

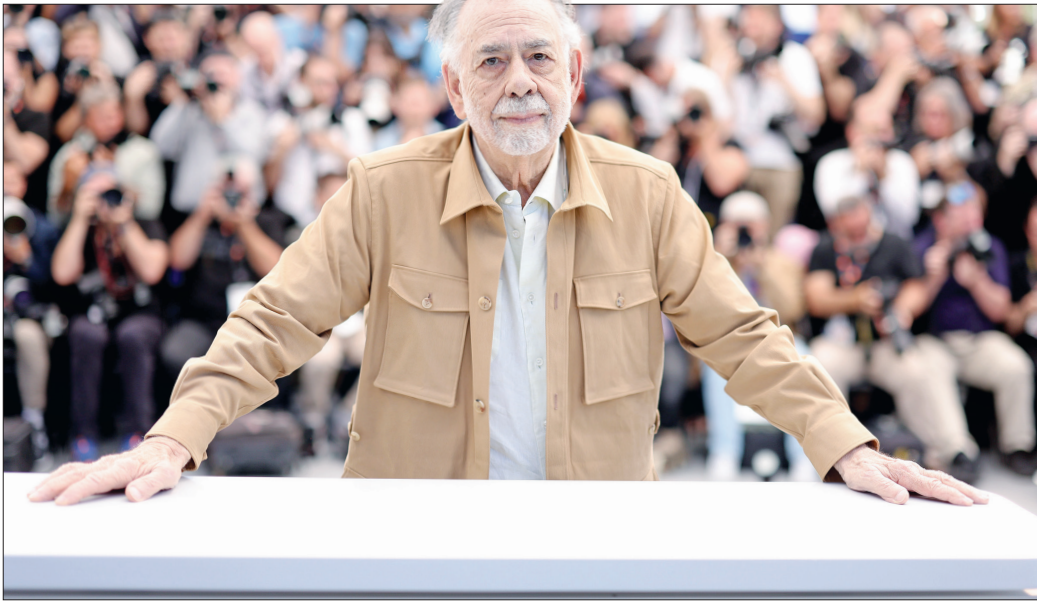
همچنین توجه به سینمای بومی، بستری برای شناخت استعدادهایی بومی در زمینه کارگردانی و بازیگری ایجاد می‌کند و می‌تواند سرمایه انسانی در سینما را از عرصه‌های محدود و کوچک بومی به عرصه‌های ملی معرفی کرده و ارتقاء ببخشد. تقویت سینمای بومی البته رشد سینمای ملی هم خواهد بود. از این منظر عنوان جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی، عنوانی معنادار است؛ جشنواره‌ای که گرچه در ابتدای راه است و در زمان مناسبی به لحاظ اجتماعی و سینمایی متولد نشد اما می‌تواند مسیر و هوای تازه‌ای در سینمای ایران باشد. گرچه نخستین دوره برگزاری این جشنواره، قدم بزرگی برداشت اما قدم مهمی برداشت که نیازمند حمایت و هدایت است.

۲۴ ساعت
24 HOURS

۱۶

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۳۵۴۰۲۹۱ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۴۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۲۹۱ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گسترآموز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



عکس: Gettyimages

کوپولا هم برهوت را آباد نکرد

نگاهی به روزهای آغازین جشنواره کن که تا به حال شگفتی‌ای نداشته است

تماشای فیلم در سالن نمایش خطاب به خبرنگاری گفت: «این فیلم اثری دیوانه‌وار است و فقط یک دیوانه می‌تواند آن را بسازد.» با این حال همه تماشاگران این نظر را نداشتند، پیتر بردشوا، منتقد سالخورده گاردین فیلم تازه کوپولا را یک اثر بسیار کسل‌کننده (مگالوپنگ) و خیلی توخالی خواند. کوپولا در کنفرانس مطبوعاتی فیلم خود در جشنواره کن، بین داستان فیلمش و اتفاقات امروز آمریکا و جهان رابطه‌ای برقرار کرد و گفت: «کشور آمریکا براساس ایده‌های جمهوری روم بنا شده است. رومی‌ها شکل جدیدی از حکومت به نام جمهوری را با مجلس سنا و قوانین و با همه چیزهایی که ما پذیرفته‌ایم ابداع کردند. زمانی احساس من این بود که یک حماسه رومی در آمریکا مدرن بسازم و نمی‌دانستم ممکن است داستان فیلم با سیاست امروز تا این حد مرتبط باشد. جمهوری روم که دارای عناصری از دموکراسی مدرن بود، در سال‌های پایانی عمر خود در برابر مشکلات اقتصادی، فساد و ظهور جولیس سزار در قامت یک دیکتاتور تسلیم شد.» کوپولا همچنین با اشاره به مشاهده حرکت جهان به سمت نئوآستراگالی و فاشیسم نه فقط در ایالات متحده بلکه در سراسر دنیا گفت: «ترساک است، زبانه‌ها کسی که در زمان جنگ جهانی دوم زنده بوده و شاهد وحشت جنگ بوده است، نمی‌خواهد این اتفاق تکرار شود.»



محمدامین شکاری

روزنامه‌نگار و مترجم

با وجود گذشت پنج روز از جشنواره کن ۲۰۲۴، هنوز فیلمی که منتقدان را تحت‌تأثیر قرار دهد و اهالی سینما را به وجد بیاورد، به نمایش درنیامده است. جشنواره کن دوره هفتاد و هفتم به سنت همیشه البته به استثنای سال بعد از کرونا از میانه ماه می، روز سه‌شنبه ۱۴ می (۲۵ اردیبهشت‌ماه) کار خود را آغاز کرد. این جشنواره متشکل از هیئت داورانی است که اکثریت اعضای آن از زنان سینماگر تشکیل می‌دهند.

تحلیل از بانوی آهنین

در روز اول جشنواره در کنفرانس مطبوعاتی هیئت داوران، مهمترین بخش صحبت‌ها پیرامون تأثیر «جنش می تو» بر صنعت سینما گذشت. گرتا گوویک، بازیگر و کارگردان آمریکایی و رئیس هیئت داوران این دوره فستیوال درباره تأثیر این جنبش گفت: «جنش می تو در صنعت سینما تغییرات زیادی به وجود آورده و باعث بهتر شدن این صنعت شده است و معتقدم که گسترش این بحث در سینما اهمیت دارد.» همان روز جشنواره با فیلم کم‌دی فرانسوی «برده دوم» ساخته کانتن دویبو که در بخش خارج از مسابقه حضور داشت، کار خود را آغاز کرد. شب افتتاحیه با اهدای جایزه نخل طلای افتخاری به مریل استریپ، بازیگر بزرگ آمریکایی به پایان رسید. استریپ این جایزه را از دستان بنوش فرانسوی دریافت کرد. بازیگر «آبی» کیشلوفسکی در ستایش بانوی آهنین گفت: «توصاحب جایگاهی محوشدنی در تاریخ سینما هستی، تو یک گنجینه بین‌المللی هستی. تو باعث شدی نگاه ما به دنیای زن‌ها در سینما عوض شود، تو ما کمک کردی که خودمان را به شیوه‌ای متفاوت نگاه کنیم.»

بازگشت ناپلئون و فیوریوسا به سینما

دومین روز جشنواره با نمایش اولین فیلم بخش مسابقه اصلی یعنی «الماس وحشی»، ساخته آگانه ریداره که داستان دختر جوانی است که به برنامه‌های ژنرالیتی شو علاقه دارد و رفتن به آن برنامه سرنوشتش را تغییر می‌دهد، آغاز شد. این فیلم به سبک اغلب دوره‌های جشنواره کن - که در آن فیلم‌های ابتدایی جشنواره چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. نتوانست منتقدان را تحت‌تأثیر قرار دهد. در این روز نسخه مرمت‌شده که البته فردرک بونوآ مدیر سینماتک فرانسه از اصطلاح بازسازی برای آن، یعنی فیلم «ناپلئون» ابل گانس استفاده می‌کند، در بخش کلاسیک‌های کن به نمایش درآمد. «ناپلئون» اثری همتای ابل گانس در حضور کوستا گاوراس در جشنواره کن امسال به نمایش درآمد. گفته می‌شود برای بازسازی و مرمت این فیلم ۱۵ سال زمان به همراه ۴ میلیون یورو هزینه صرف شده است. نمایش فیلم اکشن پسا-آخرالزمانی «فیوریوسا» ساخته جرج میلر که پنجمین قسمت از فرنچایز «مکس دیوانه» است نیز پرسروصداترین اتفاق روز دوم جشنواره بود. منتقدان حاضر در فستیوال پیش‌بینی می‌کنند این ساخته میلر بتواند موفقیت چشمگیر قسمت قبلی این مجموعه را که ۹ سال پیش اکران شد، در گیشه تکرار کند. «فیوریوسا» آخر هفته راهی سینماهای جهان می‌شود و احتمالاً جای فیلم قبلی این مجموعه که یکی از بهترین فیلم‌های اکشن تمام دوران‌هاست، بگذارد.

گران‌ترین تجربه تاریخ

روز سوم جشنواره روز فرانسویس فورد کوپولا، فیلمساز بزرگ تاریخ سینما بود البته می‌توان گفت تا به امروز که کمتر از نیمی از جشنواره سپری شده، کوپولا و فیلمش مهمترین اتفاق جشنواره هفتاد و هفتم را رقم زده‌اند. کوپولا که در اروپا و جشنواره کن به همان اندازه آمریکا تحسین شده است، بعد از سال‌ها غیبت به فستیوالی آمد که نزدیک به ۵۰ سال پیش اولین نخل طلایی خود را از آنجا گرفته بود. خالق «پدرخوانده» اها با گروه عوامل فیلم «مگالوپلیس» روز ۱۶ می (۲۷ اردیبهشت‌ماه) روی فرش قرمز جشنواره کن حاضر شد. «مگالوپلیس» همانطور که انتظار می‌رفت دیدگاه‌های متضادی را به همراه داشت. بازیگری مثل ریچارد گی ری بعد از

چهره

تقدیم به روزنامه‌نگاران فلسطینی

الیه محمدی و نیلوفر حامدی، دو روزنامه‌نگار ایرانی، برنده بیست و یکمین جایزه «خوزه کوزو» برای آزادی مطبوعات شدند. این جایزه یادبودی برای «خوزه کوزو» روزنامه‌نگار اسپانیایی است که در آوریل سال ۲۰۰۳ در پی شلیک یک تانک آمریکایی به پانزدهمین طبقه هتل فلسطین که هتلی ۱۸ طبقه در بغداد بود و خبرنگاران خارجی را اسکان داده بود، کشته شد. از زمان مرگ خوزه کوزو تا کنون، هر ساله جایزه آزادی مطبوعاتی به روزنامه‌نگاران از سراسر جهان تقدیم می‌شود؛ از جمله در سال ۲۰۱۱ این جایزه به ژولیان آسانژ تعلق گرفت. الیه محمدی، خبرنگار روزنامه هم‌میهن پس از دریافت بیست و یکمین جایزه آزادی مطبوعات «خوزه کوزو» آن را به پابلو گونزالس، روزنامه‌نگار اسپانیایی که در فوریه ۲۰۲۲ در مرز لهستان و اوکراین بازداشت شد، وائل الدلوح و تمام روزنامه‌نگاران فلسطینی که برای جلب توجه نسبت به وضعیت غزه فداکاری‌های بزرگی انجام داده‌اند تقدیم کرد. او در پیامی به انجمن حرفه‌ای روزنامه‌نگاران گالیسیا و پاشگاه مطبوعاتی فرول [Ferrol] برگزارکنندگان این جایزه، آرزوی جهانی را کرد که روزنامه‌نگاران بتوانند در آن در امنیت و آزاده کار کنند.



کتابخانه

نخستین شهدای راه آزادی

کتاب «به سوی فرود آزادی (مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه‌ای که جهان غرب امروزی را ساختند)»، نوشته آنتونی کلیفورد گرپلینگ، با ترجمه مهدی نصراله‌زاده در ۴۷۲ صفحه با قیمت ۵۲۵ هزار تومان توسط انتشارات بیدگل منتشر شده است. در روایت نقل شده به وسیله آنتونی گرپلینگ، نویسنده کتاب «به سوی فرود آزادی» نقطه آغاز قصه بلند آزادی، بیکراهی شعله‌ور کسانی است که در آتش کینه و تعصب دادگاه‌های تفتیش عقاید سوختند و خاکستر شدند. آنان به عنوان نخستین شهدای راه آزادی در دوران جدید، شمع‌های فروزانی بودند که با طلب کردن آزادی مذهبی و ایجاد رخنه در حاکمیت مطلق العنان کلیسا، راه را برای طرح مطالبات آزادی خواهانه بعدی در همه عرصه‌ها اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گشودند و آغازگر فصلی نوین و درخشان در تاریخ بشریت شدند. در روایت گرپلینگ که در برگزیده یک بازه زمانی حدوداً ۵۰۰ ساله است، شعله‌ای که متعصبان مذهبی در آغاز عصر جدید برافروختند ناخواسته به چراغ روشنی برای حق طلبان بدل گشت.



به سوی فرود آزادی

نویسنده:

آنتونی کلیفورد

گرپلینگ

مترجم: مهدی

نصراله‌زاده

انتشارات: بیدگل

تاریخ

تصویب قانون بلدیة در مجلس هفتم

نخستین قانون بلدیة یا به تعبیر امروزی قانون شهرداری در سال ۱۲۸۶ به تصویب مجلس رسید. در دوره رضاشاه در پرتو اقداماتی از جمله بازسازی و تشکیل ارتش نوین، ساخت کارخانه‌های صنعتی، ایجاد راه‌های جدید و راه آهن سراسری و... چهره ایران تا اندازه زیادی تغییر کرد. در زمینه مسائل شهری، اما عمده توجه دولت رضاشاه به تغییر ظاهر شهرها و به ویژه تهران بود. برای نوسازی شهرها احساس شد نخست باید نهادهای اداری مناسب با قوانین مختلف به وجود آید. برای آغاز اصلاحات در اکتبر ۱۲۹۹ تهران یک مشاور آمریکایی در زمینه حکومت شهری و یک مهندس آمریکایی برنامه‌ریزی شهری را به خدمت گرفت. قانون بلدیة مصوب ۱۲۸۶ لغو شد و برای بیشتر نظام برنامه‌ریزی و تأمین اعتبار مالی شهرداری‌ها، قانون بلدیة دیگری در ۳۰ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۰۹ در مجلس هفتم شورای ملی به تصویب رسید.

آبانه و آبایر ابراهون

برادر گرامی جناب آقای کسری نوری

درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده

از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان محترم صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

عباس عبدی، شاهرخ حیدری
محمد جواد روح، افشین امیرشاهی، مهرداد خدیو